

بررسی و تبیین رویکردهای جامعه شناختی و جرم شناختی

در نظام کیفری ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۴/۰۷/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۴/۱۲/۰۳)

روح الله شیرزادی

قاضی دادگستری - جانشین دادستان پاوه

چکیده

نظام کیفری هر کشور، علاوه بر بنیان‌های حقوقی و فقهی، بازتابی از ساختارهای اجتماعی، تحولات فرهنگی و الگوهای قدرت و کنترل اجتماعی است. در ایران، سیاست جنایی و نظام عدالت کیفری تحت تأثیر منابع هنجاری گوناگون (قانون، فقه، اخلاق عمومی و عرف) و نیز شرایط اجتماعی (نابرابری، تحولات جمعیتی، تغییرات سبک زندگی و توسعه فناوری) شکل می‌گیرد. این مقاله با هدف بررسی و تبیین رویکردهای جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی در نظام کیفری ایران، می‌کوشد نشان دهد چگونه نظریه‌های اجتماعی و جرم‌شناختی می‌توانند به فهم بهتر چرایی جرم، انتخاب ابزارهای واکنش کیفری، و ارزیابی کارآمدی مجازات‌ها کمک کنند. در این راستا، نخست چارچوب‌های جامعه‌شناختی تبیین جرم را معرفی و سپس هم‌سویی‌ها و ناهم‌سویی‌های آن‌ها با سیاست جنایی ایران تحلیل می‌شود. یافته‌های تحلیلی بیانگر آن است که غلبه رویکرد حقوقی - هنجاری در فرآیند جرم‌انگاری و کیفرگذاری، گاه موجب کم‌رنگ شدن نگاه پیشگیرانه و اجتماعی به جرم شده است، با این حال، ظرفیت‌های حقوقی و نهادی موجود از جمله نهادهای ارفاقی، مجازات‌های جایگزین حبس، عدالت ترمیمی و برنامه‌های پیشگیری اجتماعی امکان همگرایی بیشتری با رویکردهای جرم‌شناختی را فراهم می‌کند.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی، جامعه‌شناسی جرم، جرم‌شناسی، نظام کیفری ایران،

پیشگیری اجتماعی، برچسب‌زنی، عدالت ترمیمی، مجازات‌های جایگزین حبس



مقدمه

جرم پدیده‌ای صرفاً حقوقی نیست، بلکه رخدادی اجتماعی است که در بستری از روابط، ارزش‌ها، نابرابری‌ها و سازوکارهای کنترل اجتماعی شکل می‌گیرد. درک جرم صرفاً از منظر نصوص قانونی و ساختار قواعد کیفری، تصویر ناقصی از واقعیت اجتماعی جرم ارائه می‌دهد. جامعه‌شناسی جرم و جرم‌شناسی با تمرکز بر علل اجتماعی و فردی جرم، واکنش جامعه به بزهکاری، و پیامدهای کنترل کیفری، امکان فهم عمیق‌تری از کارکردهای نظام کیفری فراهم می‌کنند. در ایران، نظام کیفری از یک سو در چارچوب قانون‌گذاری مدرن و ساختارهای اداری - قضایی عمل می‌کند و از سوی دیگر با منابع ارزشی و فقهی در پیوند است. این دو گانه، سیاست جنایی ایران را واجد ویژگی‌های خاص می‌کند: در برخی حوزه‌ها گرایش به جرم‌انگاری گسترده و پاسخ‌های سخت‌گیرانه مشاهده می‌شود و در برخی دیگر، تأکید بر اصلاح، تربیت، نهادهای ارفاقی و مداخلات غیرسالب آزادی نمود دارد. پرسش کلیدی این مقاله آن است که رویکردهای جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی چه تصویری از جرم و واکنش کیفری در ایران ارائه می‌دهند و این تصویر چه پیامدی برای طراحی سیاست‌های کیفری کارآمد و عادلانه دارد؟ اهمیت این بحث از چند جهت قابل توجه است: نخست، افزایش پیچیدگی جرایم (جرایم سایبری، اقتصادی، سازمان‌یافته) نیازمند تحلیل‌های بین‌رشته‌ای است. دوم، هزینه‌های اجتماعی و اقتصادی زندان و حبس محوری، سیاست‌گذار را به سمت راهکارهای پیشگیرانه و جایگزین سوق می‌دهد. سوم، عدالت کیفری به عنوان نهادی عمومی، باید پاسخ‌گو و مبتنی بر داده و ارزیابی باشد، در غیر این صورت، خطر گسترش بی‌اعتمادی اجتماعی و کاهش مشروعیت وجود خواهد داشت.



بخش اول: رویکردهای جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی و دلالت‌های آن‌ها برای ایران

۱- نظریه فشار و محرومیت نسبی: جرم به مثابه واکنش به انسداد فرصت‌ها

نظریه‌های فشار (Strain) جرم را پیامد شکاف میان اهداف پذیرفته شده اجتماعی و ابزارهای مشروع دستیابی به آن‌ها می‌دانند. در شرایطی که افراد به‌ویژه در طبقات فرودست دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی، آموزشی و شغلی نداشته باشند، احتمال گرایش به شیوه‌های نامشروع افزایش می‌یابد. در ایران نیز تحولات اقتصادی، بیکاری جوانان، ناامنی شغلی و احساس محرومیت نسبی می‌تواند در شکل‌گیری برخی بزهکاری‌ها، به‌ویژه جرایم مالی و جرایم خرد، نقش داشته باشد.

دلالت سیاستی: اگر جرم در بخشی از موارد حاصل «فشار ساختاری» باشد، پاسخ صرفاً کیفری نمی‌تواند ریشه‌های آن را اصلاح کند. سیاست جنایی کارآمد نیازمند پیوند با سیاست‌های رفاهی، اشتغال‌زایی، کاهش نابرابری و حمایت از گروه‌های در معرض خطر است.

۲- نظریه آنومی و بی‌هنجاری: بحران هنجارها و تضعیف انسجام اجتماعی

آنومی به وضعیت ضعف قواعد و سردرگمی هنجاری اشاره دارد، زمانی که هنجارهای اجتماعی توان تنظیم رفتار را از دست می‌دهند یا میان ارزش‌های رسمی و تجربه زیسته افراد شکاف ایجاد می‌شود. در جوامعی که تغییرات فرهنگی سریع رخ می‌دهد، ممکن است اختلاف میان نسل‌ها، تضاد سبک زندگی و چندپارگی ارزشی افزایش یابد و زمینه برای بروز انواع ناسازگاری اجتماعی فراهم شود.



دلالت سیاستی: در چنین شرایطی، ابزارهای کیفری باید با راهبردهای فرهنگی، آموزشی و تقویت سرمایه اجتماعی همراه شوند. مواجهه کیفری سخت‌گیرانه با برخی رفتارهای مرتبط با تغییرات فرهنگی، در صورت بی‌توجهی به علل اجتماعی، ممکن است به تشدید تعارض و کاهش اعتماد بینجامد.

۳- نظریه یادگیری اجتماعی: جرم به مثابه رفتار آموخته‌شده

این رویکرد جرم را رفتاری می‌داند که در تعاملات اجتماعی و شبکه‌های ارتباطی آموخته می‌شود. نقش گروه همسالان، محیط‌های پرخطر، و حتی برخی فضاهای مجازی در انتقال نگرش‌های مجرمانه قابل توجه است. در ایران، توسعه شبکه‌های اجتماعی و تحولات ارتباطی، علاوه بر فرصت‌های مثبت، امکان شکل‌گیری خرده‌فرهنگ‌های بزهکارانه یا تسهیل برخی جرایم (مانند کلاهبرداری آنلاین) را نیز افزایش داده است.

دلالت سیاستی: پیشگیری وضعی (افزایش دشواری ارتکاب جرم) و آموزش سواد رسانه‌ای، کنترل‌های هوشمند، و برنامه‌های مداخله در گروه‌های پرخطر می‌تواند از یادگیری و تداوم رفتارهای مجرمانه بکاهد.

۴- نظریه کنترل اجتماعی: نقش پیوندهای اجتماعی در بازدارندگی

نظریه کنترل اجتماعی بر این ایده استوار است که افراد به دلیل پیوندهایشان با خانواده، مدرسه، اشتغال و نهادهای اجتماعی از جرم دور می‌مانند. تضعیف خانواده، ترک تحصیل، حاشیه‌نشینی، اعتیاد و نبود فرصت‌های مشارکت اجتماعی می‌تواند این پیوندها را سست کرده و احتمال بزهکاری را افزایش دهد.



دلالت سیاستی: در ایران، تقویت سیاست‌های حمایتی خانواده، کاهش ترک تحصیل، توانمندسازی محلات حاشیه‌ای و توسعه خدمات اجتماعی، مکمل ضروری سیاست کیفری است. همچنین در واکنش کیفری، باید بر برنامه‌های بازپروری و بازاجتماعی‌سازی تأکید شود تا پیوندهای از دست‌رفته احیا گردد.

۵- نظریه برجسب‌زنی: جرم‌انگاری، انگ اجتماعی و بازتولید بزهکاری

برجسب‌زنی یکی از مهم‌ترین رویکردهای جامعه‌شناختی است که جرم را نتیجه فرآیند «تعریف اجتماعی» می‌داند. مطابق این دیدگاه، برخی افراد به دلیل برخورد نظام عدالت کیفری و نگاه جامعه، با انگ «مجرم» مواجه می‌شوند و این انگ می‌تواند مسیر بازگشت آنان به زندگی عادی را دشوار کرده و بزهکاری ثانویه ایجاد کند.

در نظام کیفری ایران، چالش برجسب‌زنی به‌ویژه درباره جوانان، مرتکبان جرایم خرد، و افرادی که برای نخستین بار مرتکب جرم شده‌اند جدی است، زیرا ورود به فرایند کیفری، سابقه کیفری و تجربه زندان می‌تواند ظرفیت‌های اجتماعی و شغلی را محدود کند.

دلالت سیاستی: تقویت نهادهای ارفاقی، حذف یا محدودسازی آثار تبعی محکومیت برای برخی جرایم کم‌اهمیت، توسعه میانجی‌گری و عدالت ترمیمی، و جایگزینی حبس می‌تواند آثار برجسب‌زنی را کاهش دهد.

۶- نظریه تعارض و رویکرد انتقادی: جرم، قدرت و سیاست جنایی

رویکرد تعارض بر این تأکید دارد که قانون و جرم‌انگاری خنثی نیست و ممکن است در برخی مواقع بازتاب منافع گروه‌های مسلط یا ساختار قدرت باشد. این دیدگاه به تفاوت میان



«جرم‌انگاری رسمی» و «آسیب‌های اجتماعی» توجه می‌دهد: گاه آسیب‌هایی که اثر اجتماعی گسترده دارند (مانند برخی جرایم اقتصادی یا فساد) کمتر دیده می‌شوند و در مقابل برخی رفتارهای دیگر، با شدت بیشتری جرم‌انگاری یا تعقیب می‌شوند.

دلالت سیاستی: برای افزایش مشروعیت عدالت کیفری، سیاست جنایی باید نسبت به اصل برابری در برابر قانون و عدالت توزیعی حساس باشد و با جرایم یقه‌سفید، فساد و جرایم سازمان‌یافته برخورد مؤثر، شفاف و غیرگزینشی داشته باشد.

بخش دوم: بازتاب رویکردهای جرم‌شناختی در نهادها و سیاست‌های کیفری ایران

۱- حبس محوری و پیامدهای آن

حبس از سنتی‌ترین ابزارهای واکنش کیفری است، اما جرم‌شناسی معاصر نشان داده است که زندان به‌ویژه برای جرایم غیرخشونت‌آمیز و خرد می‌تواند پیامدهای منفی جدی داشته باشد: قطع پیوندهای خانوادگی، از دست رفتن اشتغال، یادگیری بزهکاری در زندان، و بازتولید چرخه جرم. در ایران نیز چالش تراکم جمعیت کیفری، هزینه‌های اقتصادی و دشواری‌های بازگشت اجتماعی زندانیان از موضوعات مطرح است.

۲- مجازات‌های جایگزین حبس و نهادهای ارفاقی

توسعه مجازات‌های جایگزین (خدمات عمومی، دوره‌های آموزشی، جزای نقدی متناسب، مراقبت الکترونیکی در برخی نظام‌ها) و نهادهای ارفاقی (تعلیق، آزادی مشروط، تعویق صدور حکم) می‌تواند در راستای کاهش زندان‌محوری و هم‌سویی با رویکردهای جرم‌شناختی باشد.



این نهادها، اگر بر پایه ارزیابی خطر و نیاز و نظارت کارآمد اجرا شوند، هم از برجسب‌زنی می‌کاهند و هم بازاجتماعی‌سازی را تقویت می‌کنند.

۳- عدالت ترمیمی: گذار از مجازات صرف به ترمیم و مصالحه

عدالت ترمیمی بر مشارکت بزه‌دیده، بزه‌کار و جامعه در حل و فصل پیامدهای جرم تأکید دارد و هدف آن ترمیم آسیب، پذیرش مسئولیت و بازسازی روابط اجتماعی است. در ایران، ظرفیت‌های فرهنگی و فقهی برای توجه به سازش و جبران خسارت وجود دارد و برخی نهادها (مانند سازوکارهای صلح و سازش یا میانجی‌گری در برخی دعاوی) می‌توانند با رویکرد ترمیمی تقویت شود.

۴- پیشگیری از جرم: از سیاست‌های انتظامی تا پیشگیری اجتماعی

پیشگیری از جرم در ادبیات جرم‌شناسی به سه سطح تقسیم می‌شود: پیشگیری اولیه (عمومی و اجتماعی)، پیشگیری ثانویه (گروه‌های در معرض خطر) و پیشگیری ثالثیه (پیشگیری از تکرار جرم در بزه‌کاران). در ایران، اگرچه اقدامات انتظامی و قضایی سهم مهمی در کنترل جرم دارند، اما جرم‌شناسی تأکید می‌کند که بدون پیشگیری اجتماعی (کاهش عوامل خطر مانند فقر، اعتیاد، ترک تحصیل و خشونت خانگی) کنترل جرم پایدار نخواهد بود.



بخش سوم: چالش‌های همگرایی رویکردهای جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی با نظام کیفری ایران

۱. غلبه نگاه تقنینی - هنجاری بر نگاه تجربی: بسیاری از تصمیم‌های جرم‌انگاری و شدت مجازات‌ها در عمل، کمتر مبتنی بر ارزیابی‌های تجربی و داده‌محور است.
۲. کمبود داده‌های شفاف و قابل دسترس: سیاست جنایی مبتنی بر شواهد نیازمند آمار دقیق و نظام منسجم داده‌کاوی کیفری است.
۳. نابرابری در دسترسی به عدالت و خدمات حمایتی: گروه‌های آسیب‌پذیر ممکن است در فرآیند کیفری بیشتر در معرض محکومیت و برچسب‌زنی قرار گیرند.
۴. چالش‌های نهادی در اجرای جایگزین‌ها: جایگزین‌های حبس، بدون زیرساخت‌های نظارتی و خدمات مددکاری، ممکن است اثربخشی لازم را نداشته باشند.
۵. تنش میان کنترل کیفری و تغییرات اجتماعی: در برخی حوزه‌ها، تحولات فرهنگی و سبک زندگی، چالش‌های نوپدیدی برای سیاست جنایی ایجاد می‌کند که نیازمند پاسخ‌های سنجیده و چندسطحی است.



نتیجه گیری

رویکردهای جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی نشان می‌دهند که جرم نتیجه برهم کنش عوامل فردی و ساختاری است و واکنش کیفری صرف، بدون توجه به ریشه‌های اجتماعی، کارآمدی پایدار ندارد. تحلیل نظریه‌های فشار، آنومی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، برچسب‌زنی و تعارض در نسبت با نظام کیفری ایران بیانگر آن است که سیاست جنایی ایران برای افزایش اثربخشی و عدالت، باید به سمت «پیشگیری اجتماعی»، «کاهش زندان‌محوری»، «پاسخ‌های ترمیمی» و «ارزیابی داده‌محور» حرکت کند. چنین گذری می‌تواند هم نرخ تکرار جرم را کاهش دهد و هم مشروعیت و اعتماد عمومی به نظام عدالت کیفری را تقویت نماید.

پیشنهادهای و راهکارها:

۱. توسعه سیاست جنایی مبتنی بر شواهد: ایجاد نظام ارزیابی اثر قوانین کیفری، پایش نرخ تکرار جرم و تحلیل هزینه-فایده مجازات‌ها.
۲. تقویت رویکرد پیشگیری اجتماعی: سرمایه‌گذاری در آموزش، حمایت از خانواده، توانمندسازی محلات، و برنامه‌های کاهش اعتیاد و خشونت.
۳. گسترش جایگزین‌های حبس با ارزیابی خطر و نیاز: استفاده هدفمند از تعلیق، تعویق، خدمات عمومی و برنامه‌های اصلاحی.
۴. کاهش آثار برچسب‌زنی: محدودسازی آثار تبعی برای جرایم خرد، تسهیل بازگشت به اشتغال، و حمایت از بازاجتماعی‌سازی.



۵. تقویت عدالت ترمیمی و سازوکارهای جبران: نهادمندسازی میانجی‌گری کیفری در جرایم مناسب، حمایت از بزه‌دیدگان و برنامه‌های ترمیمی.



منابع و مآخذ

۱. آشکوری، علی حسین. جرم‌شناسی (جلدهای ۱ و ۲). تهران: سمت.
۲. اردبیلی، محمدعلی. حقوق جزای عمومی (جلدهای مرتبط). تهران: میزان.
۳. بوزان، احمد. جامعه‌شناسی انحرافات. ترجمه فارسی (چاپ‌های دانشگاهی).
۴. بکاریا، چزاره. جرایم و مجازات‌ها. ترجمه فارسی.
۵. حسین‌زاده، سیدمحمد. «سیاست جنایی و پیشگیری از جرم در ایران». «فصلنامه پژوهش‌های حقوقی (شماره‌های مرتبط)
۶. دورکیم، امیل. تقسیم کار اجتماعی و خودکشی (بخش‌های مرتبط با آنومی).
۷. ساترلند، ادوین. اصول جرم‌شناسی (یادگیری اجتماعی/همنشینی افتراقی).
۸. کوهن، آلبرت و مرتون، رابرت. آثار مرتبط با فشار و آنومی (ترجمه‌های فارسی).
۹. هیرشی، تراویس. آثار مرتبط با کنترل اجتماعی (ترجمه/منابع دانشگاهی).
۱۰. لمرت/بکر. آثار مرتبط با برچسب‌زنی (ترجمه/منابع دانشگاهی).
۱۱. قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۹۲) و اصلاحات بعدی.
۱۲. قانون آیین دادرسی کیفری (مصوب ۱۳۹۲) و اصلاحات بعدی.
۱۳. Durkheim, E. (۱۸۹۳/۱۹۸۴). *The Division of Labor in Society*. Free Press.



۱۴. Durkheim, E. (۱۸۹۷/۱۹۵۱). *Suicide: Study Sociology*. Free Press.
۱۵. Merton, R. K. (۱۹۳۸). *Social structure and anomie*. *American Sociological Review*, ۳(۵), ۶۷۲-۶۸۲.
۱۶. Cohen, A. K. (۱۹۵۵). *Delinquent Boys: The Culture of the Gang*. Free Press.
۱۷. Cloward, R. A., & Ohlin, L. E. (۱۹۶۰). *Delinquency and Opportunity*. Free Press.
۱۸. Shaw, C. R., & McKay, H. D. (۱۹۴۲). *Juvenile Delinquency and Urban Areas*. University of Chicago Press.